



## گزارش ویژه

حقوق :: نشریه قضاوت :: مهر ۱۳۸۱ - شماره ۹

صفحات : از ۱۷ تا ۲۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/861237>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



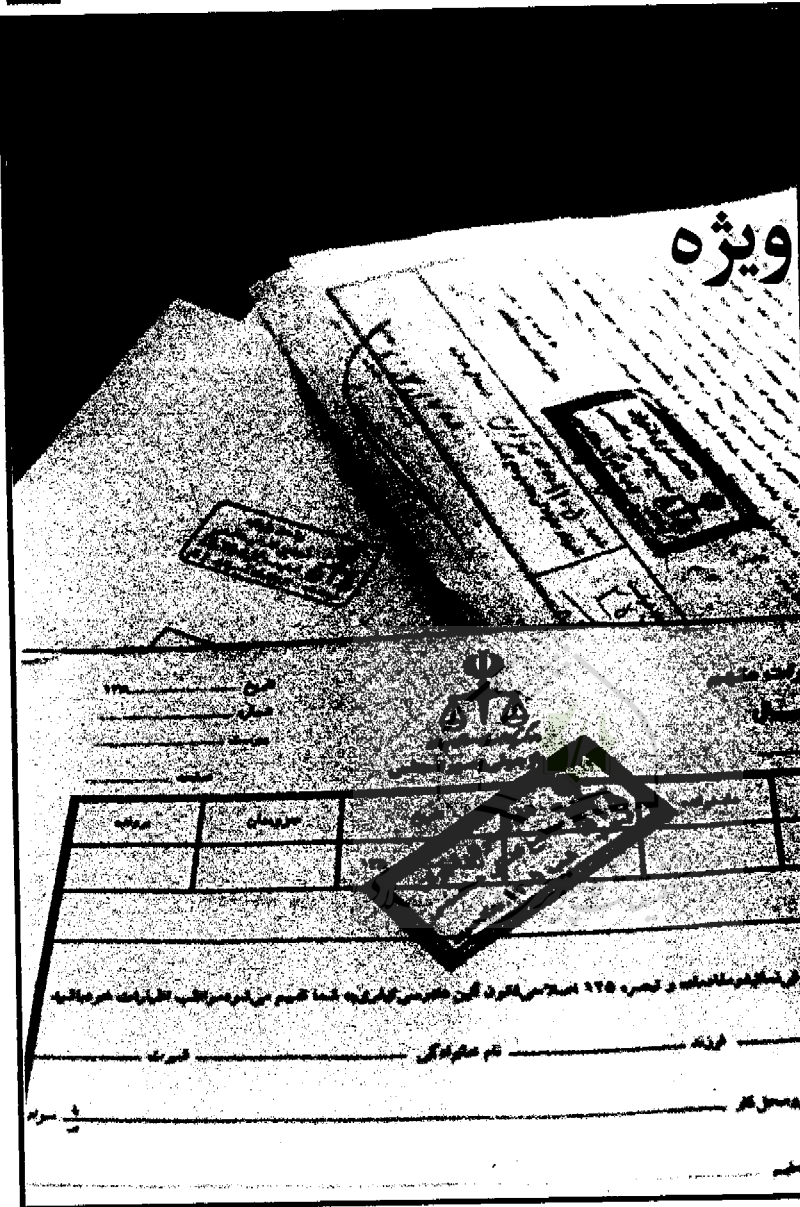
- جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران
- الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی (ره)
- نگاهی نو به حق و تکلیف از دریچه نهج البلاغه
- اعجاز فیزیکی قرآن
- حق و تکلیف
- قرارداد انتقال طلب
- یک کلمه، قانون نه
- «شکایت ثالث از عملیات اجرایی» در مقایسه با «اعتراض ثالث به رأی»
- مدخلی بر خدمات عمومی الکترونیک در نظام حقوقی ایران
- تقسیم خسارت میان مسؤولان متعدد در مسؤولیت قهری
- بررسی استقلال نهاد آمبودزمان با نگاه تطبیقی
- مفهوم و مبانی اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری

## عناوین مشابه

- گزارش ویژه: بررسی نقش عوامل موثر در توسعه: دانایی؛ مهمترین ابزار توسعه (بخش پایانی)
- گزارش ویژه: بررسی چالش های پهنه اقتصادی استحکام طلا در بازارهای جهانی (۱)
- در گزارش ویژه ماهنامه «بورس» بررسی شد؛ پیشنهاد ایجاد بازار «سرمایه‌گذاران حرفه‌ای» در بورس تهران
- گزارش های ویژه
- گزارش ویژه: نگاهی به ارزیابی عملکرد بنگاههای اقتصادی: ارزیابی عملکرد؛ راهنمای حرکت از «هست» به «باید
- گزارش های ویژه
- گزارش ویژه: مشکل شهریه و ثبت نام، امسال هم حل نشد!
- گزارش ویژه: افتتاح سومین نمایشگاه ایران پلاست: مشارکت ایران در صنعت پتروشیمی گسترش می یابد
- دستاوردهای دولت در رشد قابل توجه اشتغال آفرینی مرهون اهتمام ویژه رئیس جمهور شهید است/ گزارش وزیر کار از عوامل موفقیت دولت در کاهش نرخ بیکاری
- گزارش ویژه: بودجه سال ۷۷؛ نگران کننده یا سکوی پرش؟



# گزارش ویژه



## ■ مجتمع قضائی هاشمی در یک نگاه

«مجتمع قضائی هاشمی» در غرب تهران بزرگ و در مناطق ۹ و ۱۰ شهرداری تهران واقع شده است. این مجتمع از شمال به ضلع جنوبی خیابان آزادی - از جنوب به خیابان قزوین - از شرق به بزرگراه نواب صفوی و از غرب به کیلومتر ۱۸ جاده مخصوص کرج (کاروان سراسنکی) محدود می شود و کلاسترهای ۱۰۸-۱۱۱-۱۱۹-۱۵۰ و ۱۵۳ را در بر می گیرد؛ به جز پرونده های طلاق و قتل عمد، به تمام جرایم رسیدگی می کند. این مجتمع، دارای ۱۷ شعبه فعال (۵ شعبه حقوقی و ۱۲ شعبه کیفری)، واحد اجرای احکام کیفری و مدنی، دایره اظهارنامه، دایره ارشاد و ذیحصای و همچنین، رابط واحد ابلاغ می باشد. ۲۶ قاضی، ۶۹ کارمند رسمی، ۲۰ کارمند پیمانی، ۲۶ کارگر تعاونی، و ۲ کارمند بازنشسته که به تازگی دعوت به کار شده اند، در این مجتمع فعالیت دارند.

اسامی کادر قضائی مجتمع به شرح ذیل می باشد:

علی محمد قلبانی (سرپرست مجتمع) - سید عبدالرضا قاسمی (معاونت اجرا) - عبدالعلی احمدخان بیگی (معاونت ارجاع) - محسن ریاتی زاده (رئیس شعبه ۱۱۰۱) - محمد عشقعلی (رئیس شعبه ۱۱۰۲) - امیر صفیری (رئیس شعبه ۱۱۰۳) - محمدتقی سورمانشاهی (رئیس شعبه ۱۱۰۴) - محمدجواد اسحاقی (رئیس شعبه ۱۱۰۵) - سیدسلیمان رضوی (رئیس شعبه ۱۱۰۶) - ابراهیم پورعسگر (دادرش شعبه ۱۱۰۷) - حبیب... (محمملی (رئیس شعبه ۱۱۰۸) - رسول دوبحری (رئیس شعبه ۱۱۰۹) - یوسف همتی (دادرش شعبه ۱۱۱۰) - حسن اسماعیل نژاد (رئیس شعبه ۱۱۱۱) - علی حاجی میرآقا (رئیس شعبه ۱۱۱۲) - بهنام باقری (دادرش شعبه ۱۱۱۳) - سیدناصر افتخار (رئیس شعبه ۱۱۱۴) - عبدالحسن پلیدی (دادرش شعبه ۱۱۱۵) - جواد قربانی (دادرش شعبه ۱۱۱۶) - رضا صابری (دادرش شعبه ۱۱۱۷) - علی اکبر رشیدی، پرویز پرویزی و حمیدرضا بهرامی (دادرش محاکم) - قدرت... (سجودی، میرجمال موسوی و یوسف احمدی نژاد (قاضی تحقیق).

قدیانی

سرپرست مجتمع قضایی هاشمی

مشکل با تشکیل دادسرا هم حل نمی شود

علی محمد قدیانی دارای تحصیلات حوزوی در پایه خارج فقه و اصول است. از سال ۱۳۵۹ فعالیت خود را در تشکیلات قضایی کشور آغاز نموده که ابتدای آن در دادگاه انقلاب تهران بوده است. دادستان انقلاب خمین و محلات بوده و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ هم، دادستان عمومی و انقلاب استان مرکزی بوده است. از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ نیز عنوان دادستان نظامی استان اصفهان را داشته و از ۱۳۷۴ تا کنون به عنوان سرپرست مجتمع قضایی هاشمی مشغول به خدمت است.

قضات: آقای قدیانی: لطفاً مهمترین اقدامی را که در طول دوران مدیریت خود انجام داده اید، بیان فرمایید؟ اولین کاری را که من در بدو ورود به مجتمع هاشمی انجام دادم، در اول اردیبهشت سال ۱۳۷۴؛ مانند سایر مجتمعها، دادگاههای عمومی را تشکیل دادم که تاکنون هم خوب پیش رفته ایم و مشکل خاصی نداشته ایم و از جمله مجتمعهایی بوده ایم که حتی در روز اول تشکیل دادگاههای عمومی به پرونده های وقتی رسیدگی نمودیم.

در این مجتمع از بدو تشکیل دادگاههای عمومی، محاکم را به صورت تخصصی نمودیم دادگاه مدنی خاص، دادگاه حقوقی، دادگاه کیفری؛ هر یک به صورت جداگانه و تخصصی فعالیت می کردند. بعد از گذشت یک سال، شعب کیفری با توجه به علاقمندی و تقاضای رسیدگی پرونده های حقوقی، به تمام شعب پرونده های حقوقی و کیفری تا مدت ۲ سال ارجاع می شد و تا مدت ۲ سال ادامه داشت. مجدداً بعد از مدت مذکور، با توجه به دستورالعمل مبنی بر تخصصی نمودن شعب، شعب این مجتمع را هم تخصصی نمودیم و در حال حاضر، ۵ شعبه حقوقی و ۱۲ شعبه کیفری در این مجتمع فعال می باشند. با عنایت به اینکه وجود دادسرا در خصوص پرونده های سنگین خوب است؛ اما به نظر بنده، مشکل حاد دستگاه قضایی، این مسأله نیست و

معتقدم با تشکیل دادسرا هم مشکلی که در حال حاضر داریم، حل نخواهد شد. مشکل اساسی، کمبود نیروی قضایی و اداری است، بخصوص قضایی. این مجتمع، طبق تشکیلاتی که به تصویب رسیده، دارای ۳۰ شعبه است. حدود ۸ دادرس و ۱۲ قاضی تحقیق. از تعداد ۱۷ شعبه فعال، ۵ شعبه با دادرس اداره می شود. تنها یک دادرس علی البدل داریم، برای ایامی که همکاران شعب به مرخصی می روند، جایگزین می شود و ۱۲ شعبه دارای رئیس است. ۱۳ شعبه راه اندازی نشده است و غیر فعال است. اگر از این ۱۳ شعبه، ۵ شعبه دیگر هم فعال می شد و اگر ۳ تا ۴ دادرس علی البدل داشتیم، خیلی از مشکلات مجتمع (حتی اگر دادسرا هم تشکیل نشود) حل می شد.

قضات: با توجه به اینکه سیستم قضایی در حال تغییر می باشد، چه برنامه ریزی برای آتیه دارید؟ بنده برنامه خاصی در نظر ندارم. هر نوع برنامه ای که برنامه ریزان دادگستری استان تهران به ما بدهند، آن را به عنوان مجری اجرا می نمایم. آن طوری که پیش بینی شده است، بعضی از مجتمعها، دادگاه خواهند داشت و بعضی از مجتمعها دادرس، و تعدادی از مجتمعها، هم دادگاه و هم دادرس خواهند داشت که ظاهراً مجتمع قضایی هاشمی، از مجتمعهایی است که هم دادگاه و هم دادسرا خواهد داشت. در هر حال، به هر نحوی که مسئولین محترم تصمیم بگیرند و به ما ابلاغ نمایند. اگر ما هم حضور داشته باشیم، مجری برنامه می شویم.

قضات: به عنوان سرپرست مجتمع، آیا مطلع هستید که چه تعداد زندانی در زندانهای استان دارید؟ خیر، اطلاع ندارم؛ در آمار ماهانه قید می گردد. قضات: آیا در برنامه کاری خود، بازدید از شعب هم دارید؟ در طول هفته سرکشی می نمایم، به غیر از بازرسانی که از دادرسرای انتظامی قضات می آیند، خودمان از شعب هر شش ماه یا یکسال یکبار بازرسی داریم و گزارش مکتوبی در این رابطه تنظیم می نمایم و نظارت بر شعب داریم و بچمدان... اوضاع خوب است. قضات: ارباب رجوعها، چگونه با شما ارتباط برقرار می کنند؟ بنده هر روز ملاقات حضوری دارم. به تعبیر دیگر،

درب اطاق همیشه برای عموم باز می باشد و مراجعه کنندگان را می پذیرم و هر کس، هر مسأله از شعبه یا دفتری داشته باشد، می تواند به اتاق بنده یا معاونین مراجعه نماید.

قضات: اگر خواستار شنیدن تجارب در طول دوران خدمتان باشیم، چه نوع تجربه ای را انتقال می دهید؟ بنده به جز آغاز فعالیتم که دادیار بودم، بقیه خدمت را در قسمت مدیریتی فعالیت نموده ام. به تجربه، برای خودم ثابت شده است که در مدیریت، بهترین روش، رفاقت با قضات است نه ریاست. کار رفاقتی می تواند پیشبرد داشته باشد. مردم که براحتم می توانند به بنده مراجعه نمایند. قطعاً پرسنل هم سهولت بیشتری می توانند نزد بنده مراجعه نمایند و مشکلات خود را بیان دارند و من هم در حد توان رفع مشکل می نمایم و از طریق قاضی اداری، مالی دادگستری یا از طریق بانکهای مجاور مجتمع (که قبلاً جلساتی داشته ایم) مشکلات کارکنان مجتمع را حل می نمایم.

قضات: در حال حاضر، کدامیک از شعب مجتمع، آمار مطلوبی دارد؟

به غیر از سه شعبه (۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷)، بقیه شعب آمار خوبی دارند؛ یعنی معدل منخومه ما بالاتر از ۲۰۰ فقره می باشد. البته به علت اینکه ۳ شعبه مذکور، جدیدالتاسیس می باشند و طبیعتاً آمار کمتری دارند. قضات: چنانچه برای این شماره از ماهنامه قضات، شما بخواهید یک قاضی و یک کارمند نمونه را معرفی نمایید، چه کسانی را معرفی می کنید؟

از کارمندان و مدیران دفترکل مجتمع قضایی، «آقای باقری» را به عنوان کارمند نمونه و «آقای اردستانی» را به عنوان مدیر دفتر شعبه ۱۱۰۲ و از قضات شعب، «آقای ربانی زاده» و «آقای عشقعلی» و «آقای صفیری»، را نمونه عرض می کنم؛ با این تصریح که کلیه قضات مجتمع، خوب و فعال می باشند.

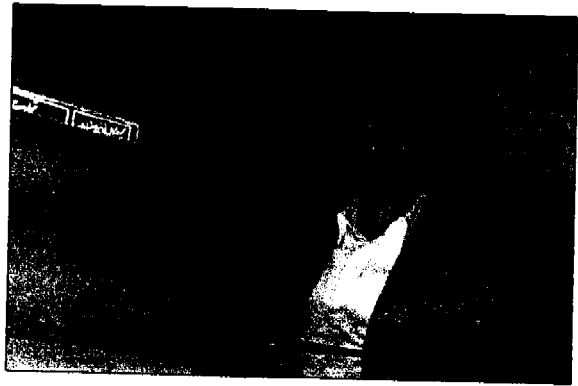
قضات: به عنوان سرپرست مجتمع، مطلع هستید که در تشکیلات اجرای احکام، چه تعداد پرونده اجرا نشده یا در حال اجرا وجود دارد؟

در اجرای احکام، معاون بنده آقای قاسمی که قاضی قوی و مسلط و خوب می باشد، فعالیت می نماید و بدین جهت، مشکلی در اجرای احکام نداریم. قضات: وضعیت مکان مجتمع چگونه است؟

ساختمان مجتمع قضایی هاشمی، استیجاری می باشد و در سال جاری بانظر کارشناس، اجاره ماهانه را مبلغ هشت میلیون تومان تعیین نموده است. ضمن اینکه، ساختمان مناسب کار قضایی نمی باشد و موقعیتی بسیار شلوغ همراه با سر و صدا دارد. امیدواریم که مسئولین، زمینی را که برای این مجتمع خریداری نموده اند، سریعتر بسازند.

قضات: در خصوص معرفی کارآموزان قضایی، وکالت و مشاور حقوقی؛ با توجه به تراکم کار در شعب، آیا با مشکل خاصی مواجه نمی باشید؟

با توجه به اینکه خوابگاه کارآموزان در نزدیکی این مجتمع می باشد، بیش از هر مجتمع دیگری کارآموز به این مجتمع معرفی می نمایند که حتی مشکل جا و صندلی برای نشستن در شعب داریم. در غیر این صورت، مشکل دیگری نداریم.



قدیانی سرپرست مجتمع قضایی هاشمی



حمیدرضا باقری  
مدیر دفتر کل  
مجتمع قضائی هاشمی

◀ حمیدرضا باقری  
«مدیر دفتر کل مجتمع قضائی هاشمی»

## مدرک گرایی و غربت همکاران مجرب

حمیدرضا باقری ۲۸ سال سابقه کار دارد و در اکثر واحدهای قضائی دادگستری، از جمله دادرسی، دادگاههای حقوقی، تجدیدنظر و اجرای احکام، خدمت نموده است؛ او می گوید: این مجتمع نیز مانند دیگر واحدهای قضائی، از نظر مکان و فضای مناسب در مضیقه است. ساختمان قدیمی مجتمع، فاقد امکانات کافی است و فضای مناسبی جهت برگزاری جلسات دادگاه علنی وجود ندارد و گاهی مجبور می شویم نمازخانه مجتمع را به این امر اختصاص دهیم. تنها آسانسور موجود در ساختمان که با مساعدت معاونت محترم اداری و مالی دادگستری کل استان تهران بازسازی و تعمیر گردیده است، کفاف نیاز همکاران محترم و ارباب رجوع را نمی دهد و اکثر آنها خراب است. طبقه زیرزمین مجتمع به پایگانی راکد اختصاص یافته و دیگر گنجایش پرونده های مخومه را ندارد و در شعب محاکم پرونده های مخومه متراکم شده و فضای نه چندان مناسب دفاتر دادگاه را تنگتر نموده است. از دیگر مشکلات این ساختمان قدیمی، عدم وجود محلی مناسب و حفاظت شده جهت نگهداری زندانیان اعزام شده به محاکم است که این مطلب نیز به نوعی، باعث بروز مسائلی است.

به گفته باقری، کمبود نیروی انسانی از دیگر مشکلات این مجتمع است و همکاران محترم اداری تازه استخدام شده، اکثراً آموزشهای لازم را ندیده اند. البته، تشکیل کلاسهای آموزشی که اخیراً از ناحیه معاونت محترم آموزش و تحقیقات دادگستری کل استان تهران برای آنان برگزار شده است، بسیار مفید بوده و تداوم آن می تواند بسیار مؤثر باشد. مطلب دیگر، عدم وجود انگیزه بین همکاران اداری است. اخیراً طی دستورالعملی انتصاب پست مدیر دفتر قضائی، مشروط به داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی شده است و چه بسیار همکاران محترم اداری که دارای تجارب و مهارتهای بسیار بالایی هستند ولی به لحاظ فقدان مدرک تحصیلی، از احراز پست مدیر دفتری محروم می باشند. تجدیدنظر در این خصوص، می تواند موجب ایجاد انگیزه و ارتقای کاری گردد و همچنین، در خصوص تبدیل وضعیت همکاران اداری و قضائی و همکاران محترم تازه استخدام شده ای که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی می باشند، به مرور و با کسب مهارتهای کاری به ترتیب، به پستهای بالاتر ارتقا یابند. در این مجتمع، واحدهای ارشاد و معاضدت قضائی با دو نفر از همکاران مجرب از دو سال پیش راه اندازی شده و واحد نقش تمبر، تصدیق فتوکپی و ذیحسابی دایر می باشد. واحد رایانه این مجتمع از حدود ۷ سال قبل راه اندازی شده و به تدریج تکمیل گردیده به طوری که ثبت کلیه درخواستها با رایانه است. تایپ کلیه نامه ها و دادنامه محاکم نیز به صورت رایانه ای می باشد. اکثر

و املاک می باشد که همکاری در پاسخ به آن مطلوب است گاهی اداره ثبت در پاسخ به استعلامات پرونده ها، کم لطفی می کند. پاسخ را به پرونده ای دیگر در شعبه دیگری که هیچ ارتباطی به پرونده تحت رسیدگی ندارد، ارجاع می دهند که در این خصوص، دادگاه مواجه با مشکل و در نهایت اطاله دادرسی می گردد.

اگر در اداره ثبت اسناد، واحد متمرکز پاسخگویی استعلامات محاکم باشد، موجب می گردد تا در پاسخگویی، دقت و سرعت لازم را انجام دهند.

در پرونده های حقوقی به لحاظ تنوع موضوعات، بایستی به طور معقول، رسیدگی صورت گیرد اما در برخی دعاوی مانند تعدیل اجاره بها، یک باب معازره که اجاره بهای ای یک هزار تومان می باشد، مالک یا موجر به لحاظ عدم توافق با مستأجر در پرداخت اجاره بها، دادخواست تعدیل اجاره بها می دهد. این دادخواست، مستلزم آن است که در نوبت رسیدگی قرار گیرد. بعد ارجاع به کارشناسی ارجاع شود. سپس، کارشناس نظر خود را اعلام نماید برای ارجاع به کارشناسی، مالک باید آن حق الزحمه ای که تعیین می شود، ابتدا پرداخت نماید، بعد نظریه کارشناسی به طرفین ابلاغ شود. گاهی ممکن است نظریه به هیأت کارشناسی ۳ نفره اخذ شود که همان مستلزم هزینه است. بنده نظرم این است که برای این نوع دعاوی، بایستی جدولی تنظیم گردد؛ مثل جدول تعدیل مهریه؛ جدولی برای تعدیل اجاره بها تصویب نمایند. رأی در پرونده ای مربوط به قبل از انقلاب، به همین صورت بوده است؛ یعنی دادگاه مستقیماً بر اساس شاخص بهایی که هر سال اعلام می شود، مستقیماً آن درصد را محاسبه می کند که افزایش بها صورت می گیرد و دیگر نیازی به جلب نظر کارشناس نیست. لذا به این نحو، غیر معقول است که برای یک افزایش اجاره بها مثلاً از هزار تومان به سه هزار تومان در نوبت اول کارشناسی، مبلغ بیست و پنج هزار تومان حق الزحمه کارشناسی تعیین ننمایم و در مرحله بعد، مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان؛ که از لحاظ اقتصادی برای طرفین هم مفرون به صرفه نیست. در ضمن، برای دادگستری هم مطلوب نمی باشد و غیر از اینکه اطاله دادرسی نماید و وقت دادگاه را بگیرد و تعدادی پرونده در دادگستری مطرح نماید، نتیجه مطلوبی ندارد.

مدیران شعب دفاتر دادگاه، دارای مدرک لیسانس و پرسنل اداری شعب، دیپلمه هستند.

در خصوص رفع مشکلات رفاهی، سرپرستی محترم مجتمع، همکاری صمیمانه ای با همکاران محترم دارند و در صورت نیاز، با معرفی نامبردگان به اداره رفاه و به طریق دیگر، نسبت به پرداخت وام قرض الحسنه اقدام می نمایند. در شاتمه، این مطلب قابل ذکر است که با تشکیل واحد ابلاغ دادگستری کل استان تهران، ابلاغ اوراق قضائی به سرعت بسیار بالایی صورت می گیرد و جای تشکر از مسؤولین مربوطه را دارد.

### ◀ محسن ربانی زاده

«رئیس شعبه (۱۱۰۱) مجتمع قضائی هاشمی»

## در موارد حقوقی فکر اساسی نشده است

محسن ربانی زاده متولد ۱۳۲۷، دارای مدرک لیسانس حقوق قضائی است. از سال ۱۳۶۰، از طریق تشکیلات پلیس قضائی وارد قوه قضائیه شد. وی قبل از آن دو سال، سابقه فعالیت در آموزش و پرورش در مقطع راهنمایی را داشته است. از سال ۱۳۷۴، وارد کار قضائی شده که در ابتدای کار قضائی در دادگستری کرج و بعد از آن، در مجتمع قضائی هاشمی در سمتهای قاضی تحقیق، دادرس علی البدل و رئیس شعبه ۱۱۱۰ (که جانشین شعبه ۱۶۹ سابق بوده است) خدمت نموده است. در حال حاضر، او رئیس شعبه ۱۱۰۱ مجتمع قضائی هاشمی است. قضاوت: به چه نوع دعاوایی رسیدگی می نمایید و میانگین وقت رسیدگی در این شعبه چند ماهه است؟ در بدو شروع، در شعبه به طور اشتراکی به پرونده های حقوقی و کیفری رسیدگی می کردم که مدت یک سال است که به طور مطلق، در شعبه ۱۱۰۱ به پرونده های حقوقی رسیدگی می کنم. اوقات رسیدگی در این شعبه نیز معمولاً سه ماه است. قضاوت: اخذ استعلامات در اثناء رسیدگی از ادارات ذیربط، به چه نحو صورت می گیرد؟ حدود ۷۰ درصد از استعلامات، از اداره ثبت اسناد

در این خصوص، نظرم این است که با یک جدولهایی مصوب نرج و شاخص بها را مشخص کنند و دادگاه در این مورد، خودش اقدام کند. این موضوع در تشکیلات قضائی قبل از انقلاب هم سابقه دارد. قضاوت: درباره جلب نظر کارشناسی به عنوان ادله ای برای محکمه نیز اگر ممکن است توضیح فرمایند.

در خصوص جلب نظر کارشناسی؛ به لحاظ اینکه دادگاه خودش نمی تواند مستقیماً در برخی از مسائل به طور تخصصی اطلاعات داشته باشد، لذا چنانچه در بعضی موارد به طور عمومی هم اطلاعات داشته باشد، از لحاظ قانونی باید نظریه کارشناسی جلب شود و در حال حاضر، کار بدین صورت انجام می شود. ممکن است که نظریه کارشناسی مورد اعتراض طرفین قرار نگیرد اما اقتناع وجدانی را برای خود قاضی فراهم نمی آورد. در یک پرونده تعیین حق کسب و پشه محل تجاری؛ کارشناسی اول، ۵ میلیون تومان نظر داد که مورد اعتراض قرار گرفت و هیات کارشناسی ۳ نفر، ده میلیون تومان نظر داد و با اعتراض مجدد هیات کارشناسی ۵ نفر، حق کسب و پشه را بیست میلیون تومان اعلام نمودند که پرونده مذکور، موجود است. این تفاوت قیمتها بین کارشناسان، برای خود ما جای سؤال است. لذا باید در جایی کار قطع شود و پرونده متبته به صدور رای گردد ولی این واقعاً برای ما جای ابهام دارد. وقتی از کارشناسان علت آن را جویا می شویم، می گویند نظرم ما این بوده است و یک سری دلایلی را برای خودشان مطرح می نمایند که این مسائل وجود دارد. در نتیجه، ممکن است کار کارشناسی برای دادگاه اذعان وجدانی را به وجود نیآورد اما در موردی که طرفین اعتراض ندارند، دادگاه اتخاذ تصمیم نماید. خلاصه کلام اینکه: شاید از ابتدا قبل از تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، در خصوص پرونده های حقوقی فکر اساسی نشده است. ضمن اینکه متولیان قوه قضائیه نظرشان مبنی بر این بوده که افراد، تقاضای خود را به جای تعقیب کیفری از طریق حقوق انجام دهند؛ مانند بحث چک که مطرح می شود، نظر برخی بر این است که: چنانچه فردی بدهکار است، به جای تعقیب کیفری پیرامون چک، بحث حقوقی آن مطرح شود و به همین لحاظ هم، تراکم پرونده های حقوقی هر روز بیشتر می شود و تا امروز، فکر اساسی نشده است.

معمولاً آنچه در قوه قضائیه مورد توجه قرار می گیرد،

امر کیفری است و نسبت به مسائل حقوقی توجه کمتری دارند. به عنوان مثال، در مجتمع قضائی «هاشمی» که ۱۷ شعبه فعال دارد، فقط ۵ شعبه آن به امر حقوقی رسیدگی می نمایند و ۱۲ شعبه کیفری. و هنگامی که تقاضا می گردد از یک تا دو شعبه به امور حقوقی اضافه شود، برای شعب کیفری مشکل ایجاد می شود؛ لذا باید فکر اساسی در این خصوص گردد.

در جریان دادرسی، یکی از مطالبی که خیلی می تواند مؤثر باشد، توجیه افراد است؛ یعنی افرادی که بحث حقوقی را مطرح می کنند. بایستی که دعوی مطرح شوند که قابل رسیدگی باشند یا به نحوی باشند که در یک یا دو جلسه منتهی به صدور رای گردند. اغلب افراد بدون مشاوره با وکلایا افرادی که اطلاعات حقوقی دارند، اقدام به طرح دعوی حقوقی می نمایند. وقتی این موضوع در جلسه دادگاه مورد رسیدگی قرار گیرد، مشخص می شود که خیلی نواقص دارد و به لحاظ اینکه فرد اطلاعاتی از مسائل حقوقی و آیین دادرسی نداشته و دعوی را مطرح کرده و با اینکه دعوی حقوقی مستلزم یک کار تخصصی می باشند، در محاکم به این علت اغلب عامیانه بوده و همین هم یکی از مشکلات است که داریم، هنگامی هم که به فرد موضوع گفته می شود، قانع نمی شود.

قضاوت: چه نوع دعوی در محاکم حقوقی، موجب اطلاع دادرسی می گردد؟

بحث امور حسبی یا دعوی حسبی بین اعضای خانواده ها مطرح می شود، گاهی دادگاه را برای اتخاذ تصمیم دچار مشکل می کند و موجب اطلاع دادرسی می گردد. دعوی حقوقی مانند خلع ید، ابطال سند، فسخ معامله و... به لحاظ اینکه راهکارهای قانونی آن مشخص است، تصمیم گیری برای محاکم سهلتر صورت می گیرد ولی در مسائل خانوادگی و امور حسبی، گاهی ممکن است تمایز کیفری هم ایجاد نماید و در ضمیمه پرونده حقوقی، پرونده کیفری هم تشکیل شود که مشکل هم می باشد.

بنده به صورت کلی، نقطه نظرات خود را برای تشکیلات قضائی بیان می نمایم:

- دسترسی به قوانین متنوع، مستلزم وجود سیستمهای رایانه ای با اطلاعات روز می باشد.
- فرهنگ سازی، به منظور کیفیت مراجعه به دادگستری.
- یک کلاستری، گاهی با چهار مجتمع قضائی مرتبط

می باشد. مناسب است تقسیمات فعلی به منطقه ای تبدیل گردند. ابزارهای لازم مانند وجود سندهای کشف جرایم ایجاد شود. یکی از مهمترین ابزارهای لازم، محیط کار مناسب می باشد؛ وضعیت ساختمان دادگستری نقش فراوانی از نظر روحی و روانی در کیفیت مراجعه به آن دارد. نباید به صورتی باشد که مانند یک اداره، محل تردد افراد قرار گیرد. ساختمان دادگستری یکی از مراکز بسیار عظیم، ساختمان دادگستری بوده که حتی به آن «کاخ» گفته شده و می شود.

■ ایجاد ابهت برای دادگستری و اعتماد به قاضی: با وجود تمامی جوسازیها و بدگوییها و ایجاد بدبینی نسبت به قاضی - چه از داخل دستگاه و چه از خارج از دستگاه - مردم به طور عموم به قاضی و دادگاه اعتماد داشته و این تراکم موجود، دلیل این ادعا می باشد.

ممکن است قضات فعلی آن شرایط مورد نظر در فقه از حیث قضاوت را نداشته باشند ولی تا جایگزینی لازم، نبایستی قضات را تضعیف نموده، با اجازه حمله به آنها را بدهیم. شأن قضا و قاضی و دادگاه، به نحوی است که ابتدا می بایستی متولیان امر قضا آن را رعایت نمایند، سپس مراجعین.

■ نه در گذشته مشکل دادگستری وجود دادرسی بوده که حذف گردیده باشد و نه در آینده حل مشکلات موجود با تشکیل دادرسی می باشد!

قضاوت: دادرسی، هیچ گونه ارتباطی با پرونده های حقوقی نداشته و نخواهد داشت و آیا برای جلوگیری از اطلاع دادرسی و تراکم پرونده های حقوقی، فکری شده است؟

دارا بودن علم، تجربه عملی، عشق و علاقه، تدبیر، حسن رفتار و اخلاق، تدین، ایمان، حوصله، بیان خوش و پایبندی به سوگند و استقلال؛ مجموعه صفات لازم برای یک قاضی می باشد.

قضاوت: وقتی کادر خدمات پس از فراغت از نظافت به عنوان کارمند در محاکم مشغول به کار می شوند! چه باید کرد؟

در دستگاه قضائی، محور اصلی می بایستی «دادگاه» باشد و بر همین اساس، باید تمامی تلاشها برای نجهیز دادگاه - چه از لحاظ نیروی انسانی و چه از لحاظ امکانات مورد نیاز- در حد بسیار مطلوب باشد. اصلاح همه جانبه وضع موجود، به مراتب بهتر از تغییر وضعیت خواهد بود.

عدم وجود انضباط؛ منشأ تخلف، جرم و فساد خواهد بود.

عدم استفاده از روشهای محاسباتی به طور مصوب موجب افزایش پرونده ها و اطلاع دادرسی می باشد؛ مانند تبدیل اجاره بها که می شود همانند جدول تعدیل مهریه اقدام نمود.

اداره حقوقی برای حدود ۳۰ ماده قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، بیش از هزار نظریه مشورتی داشته است.

■ در ارتباط با قانون چک، چنانچه صرفاً ماده (۱۸) از حیث عدم الزام اخذ وجه الفسافه اصلاح می گردید، ۷۹۰ مشکلات موجود حل می شد. آیا صحیح است که برای کلاهبرداری حتی قاضی اختیار داشته باشد قرار کفالت و در نهایت، وثیقه صادر نماید ولی برای یک



محسن ربیانی زاده  
رئیس شعبه ۱۱۰



محمد جواد اسحاقی  
رئیس شعبه ۱۱۰۵

اینکه می‌بایست تحقیقات با اطلاع ما انجام می‌شد. و از طرف دیگر، خود نیروی انتظامی تقریباً فقط با دستگاه قضائی کار نمی‌کند، با اداره ثبت و دستگاه اجرائی دیگر هم کار می‌کند. کار ابلاغ و احضار را انجام می‌دهند، ما سعی می‌کنیم با آنها مدارا کنیم یا اگر لازم باشد و احساس کنیم که نیروی انتظامی نمی‌تواند با نیرو ندارد، از همکاران خودمان هم استفاده می‌کنیم، در محل تحقیق می‌کنیم تا به یقین برسیم؛ به هر حال، واقعیت برای ما روشن شود.

**قضایات:** یکی از موارد مهم در هر جامعه، ایجاد راه‌های مؤثر در پیشگیری از جرایم است. به نظر جنابعالی، قوه قضائیه در این خصوص باید چه تمهیداتی را در نظر داشته باشد؟

بحث اصلی که در جرم و جرم خیزی وجود دارد، برمی‌گردد به اقتصاد مملکت. چون در اقتصاد کشور نابسامانی وجود دارد، این مسائل هم وجود دارد. به نظر بنده، در خصوص چک (که بحث آن مطرح شد)، اگر جنبه کیفری چک برداشته شود، بسیاری از پرونده‌ها در دادگاه از دور خارج می‌شوند. حالا این بحث که قانون به یک برگ از اسناد تجاری بها می‌دهد و می‌گوید که اگر این برگ را یک نفر صادر کند و در قبال آن، اگر نتواند انجام دهد، محتمل شش ماه تا دو سال حبس می‌شود؛ بنده می‌گویم اگر جنبه کیفری این مسأله برداشته شود، من که می‌خواهم مالی را به دست دیگران بدهم، دیگر حواسم را جمع می‌کنم. برای اینکه در این پرونده چک، ده پرونده دیگر از داخلش بیرون می‌آید. یک نفر یک چک به مبلغ سنگین صادر می‌کند، بعدی می‌گوید این امانت بود یا این سرقتی بوده یا می‌گوید این چک جعل شده. خواه‌ناخواه، ما در یک پرونده که به نظر خیلی ساده است، به وجود آمدن چند پرونده در آن ما را هم دچار مشکل می‌کند و طرف پرونده هم ادعا می‌کند که این صحت ندارد و ما نمی‌توانیم ادعای صادر کننده را مبنی بر جعل، سرقت یا خیانت در امانت بپذیریم. لذا، باید توجه کنیم به پیشگیری از وقوع جرم، و اقتصاد جامعه.

**قضایات:** چنانچه جنبه کیفری چک حذف گردد، برای افرادی که واقماً از صدور چک بلامحل به عنوان طلبکار متضرر شده‌اند، چه باید کرد؟

با توجه به اینکه قانون «عطف بماسبق» نمی‌شود؛ به

می‌گردد (مانند پرونده کارخانجات)، بیشتر محسوس است؛ به جهت استقرار مجتمع قضائی هاشمی است که در موقعیت و منطقه جرم خیز واقع گردیده؛ مانند سرقت، ترک انفاق، یا ایراد ضرب دسته جمعی و موارد دیگری که تحت رسیدگی قرار می‌گیرند و در روند رسیدگی خلل ایجاد می‌کنند که منتهی به آن می‌شود که در بعضی از مواقع، فشرده عمل کنیم. گاهی بعد از اتمام وقت اداری در دادگاه می‌مانم تا این پرونده‌ها را تمام نمایم.

لذا، بهترین راهکار این است که دادرسی‌ها، بخصوص در تهران تشکیل شوند و کادر شعبات را تکمیل نمایند. به طور مثال، ما در همین شعبه نیاز به یک قاضی تحقیق و یک دادرس داریم. لاقلاً پرونده‌هایی که ابتدا به ساکن به شعبه ارجاع می‌شوند، می‌توانیم به قاضی تحقیق بدهیم، به لحاظ اینکه در حال حاضر، اینجانب تنها هستم، همه کارهای رسیدگی و تحقیقات را خودم انجام دهم. لذا کارها می‌مانند و من مجبور می‌شوم پرونده‌ها را به منزل بزم و در منزل هم مشغول به کار شوم و تا ساعت ۱ تا ۲ نیمه شب باید کار پرونده‌ها را انجام دهم.

**قضایات:** خصوص عملکرد ضابطین قضائی در پرونده‌های کیفری چگونه است؟

خللاً دادرسی‌ها باعث شده است که فشار کار آنها هم زیاد شود و یکی از معضلاتی که وجود دارد، این است که دستگاه قضائی سعی می‌کند تا اختیار بیشتری به نیروی انتظامی بدهد. در نهایت، آنها هم به خاطر تراکم کار، الان دستورات ما را کامل انجام نمی‌دهند. مثلاً: دستور می‌دهیم تا در تحقیقات در محل، از گواهان و مطلعین، تحقیق به عمل آید. بیشتر مواقع می‌بینیم که پرونده بدون انجام دستور قضائی برمی‌گردد. ما مجبور هستیم دو بار پرونده را اعاده نماییم و ارباب رجوع‌ها در راهروهای دادگستری سرگردان می‌مانند. در مجموع، عملکرد نیروی انتظامی به لحاظ اینکه ما نظارت کاملی هم نداریم، خوب نیست، حتی در ابلاغ و احضار و تکمیل پرونده...  
**قضایات:** چنانچه برای شما مسجمل شود که گزارش ضابط قضائی خلاف واقع بوده است، چگونه عمل می‌نمایید؟

اکثراً مردم هم با این مشکل مواجه هستند و می‌گویند اصلاً مأمور نیامده و مأموری را در محل ندیده‌ایم یا

قره چک بلامحل حتی یک میلیون ریالی قرار وجه الضمان صادر گردد؟ در صورتی که بر اساس رأی وحدت رویه، صدور چندین چک بلامحل که ممکن است بالغ بر میلیاردها ریال هم باشد، در حکم کلاهبرداری نخواهد بود.

تا زمانی که فردی خود شخصاً به پرونده رسیدگی نکرده و رأی انشا و امضا ننماید و درگیر مراحل اجرائی آن نباشد، متوجه نخواهد بود که دادگستری و کادر قضائی و صدور رأی یعنی چه؛ مطمئناً قاضی تا قبل از حصول اطمینان و اتمام و جدایی رأی صادر نخواهد نمود.

به طور طبیعی و معمول، بیش از ۹۰٪ تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، منشأ تشکیل پرونده‌های زیادی در دادگستری می‌شود. مانند همین بحث اخیر جلوگیری از فروش تراکم، و مطمئناً در صورت آزاد شدن فروش تراکم، پرونده‌های دیگری تشکیل خواهد شد.

محمد جواد اسحاقی

رئیس شعبه ۱۱۰۵ مجتمع قضائی هاشمی

ضرورت نظارت

بر عملکرد ضابطین قضائی

محمد جواد اسحاقی از سال ۱۳۷۰ وارد دستگاه قضائی شده است. دارای لیسانس حقوق از دانشگاه قضائی قم بوده و تاکنون با عناوین: دادیار دادرسی تکناب، دادرسی رامسر، قاضی تحقیق دادگاه هشگرد و نظریات و در حال حاضر نیز به عنوان رئیس شعبه (۱۱۵) مجتمع قضائی «هاشمی» فعالیت می‌نماید.  
**قضایات:** وقت رسیدگی در شعبه مربوطه چه مقدار می‌باشد؟

شعبه (۱۱۰۵) جانشین شعبه (۱۷۵) دادگاه حقوقی سابق است که در آن، پرونده‌های سنگین و بلا تکلیفی مانده بود. خیلی تلاش کردیم تا موجودی را کاهش دهیم. در بدو کار، ۱۵۰۰ موجودی داشتیم که در حال حاضر به ۲۰۰ قره پرونده رسیده است و آخرین وقت رسیدگی در این شعبه، ۲ ماهه است. اکثر پرونده‌های این شعبه در امور کیفری است و به تمامی جرایم به غیر از قتل رسیدگی می‌گردد.

مطالبی را می‌خواهم بیان نمایم؛ بحثی که در محاکم، بخصوص در محاکم کیفری مطرح بوده و مشکل ساز است، خللاً دادرسی است. بنده که در این شعبه کار می‌کنم، در روز برای ۵ پرونده وقت رسیدگی داریم. ۵ تا ۶ قره هم وقت نظارت، ۸ تا ۱۰ پرونده هم از سوی معاونت ارجاع به این شعبه داده می‌شود. در نهایت خودم، هم کار تحقیقاتی و هم کار رسیدگی به پرونده‌های ارجاعی از معاونت و انجام می‌دهم به لحاظ اینکه، مرحله رسیدگی و مرحله تحقیق با هم به صورت می‌گیرد. این بزرگترین معضلی است که در محاکم عمومی در بخش کیفری وجود دارد؛ یعنی مرحله رسیدگی و مرحله تحقیق با هم فعلاً مخلدش شده. علت این فشار زمانی که پرونده‌های تقریباً سنگین مطرح

◀ سید عبدالرضا قاسمی  
«معاونت اجرای احکام»

**شرکت بیمه  
مردم را اذیت می کند**

سید عبدالرضا قاسمی دارای لیسانس حقوق قضائی است و مقطع فوق لیسانس را در حدارانه پاپان نامه گذرانده است، با ۲۶ سال سابقه که ۱۲ سال آن را در آموزش و پرورش گذرانده است. مدیر دفتر دادگاه جنایی، معاون دفتر کل دادگستری استان تهران، مدیر دفتر کل دادگاههای تجدیدنظر استان تهران، با تغییر سمتهای: قاضی تحقیق، مدرس علمی البدل، رئیس شعبه ۱۱۰۱ مجتمع قضائی هاشمی و معاون قضائی مجتمع قضائی هاشمی.

قضای: تعداد زندانیان مجتمع قضائی هاشمی، چه میزان می باشد؟

تعداد زندانیان تعرفه از اجرای احکام ۹۳۵ نفر، و زندانیان تحت قرار تعرفه شده از شعب، ۱۲۵ نفر. در مجموع؛ ۱۰۸۰ نفر زندانی از این واحد قضائی در زندان به سر می برد که آمار تکنیکی آن بدین صورت می باشد: شعبه ۱۱۰۳ (یک نفر)، شعبه ۱۱۰۴ (۱۶ نفر)، شعبه ۱۱۰۵ (۲ نفر)، شعبه ۱۱۰۶ (۲۵ نفر)، شعبه ۱۱۰۷ (۱۴ نفر)، شعبه ۱۱۰۸ (۲۳ نفر)، شعبه ۱۱۱۰ (۱۰ نفر)، شعبه ۱۱۱۱ (۴ نفر)، شعبه ۱۱۱۲ (۵ نفر)، شعبه ۱۱۱۳ (۹ نفر)، شعبه ۱۱۱۵ (۲۱ نفر)، شعبه ۱۱۱۶ (۷ نفر)، شعبه ۱۱۱۷ (۱۸ نفر).

به لحاظ تراکم کار به شعبات اعلام نموده ام که تا پرونده جهت اجرای حکم تکمیل نشده است، ارسال ننمایند (از قبیل حکم قطعی - ابلاغ آرا). در این خصوص، یک کارمند اداری را متصدی این امر نموده ام تا پرونده های را که دادنامه قطعی صادر شده است و رأی به طرفین ابلاغ شده، تحویل بگیرند تا در آینده مشکلی نداشته باشیم. با این وصف، قریب به ۷۰۰ فقره وارده داریم که با تمام توان فعالیت می نمایم که وارده و مختومه بالاسن شود. در عین حال، با مشکل روبه رو هستیم، به دلیل اینکه اجرای احکام به کندی پیش می رود. با اینکه نیروی انتظامی محل با ما همکاری خوبی دارد، به لحاظ جلسات مکرر با رؤسای کلانتریها؛ با این وجود، باز با مشکل مواجه هستیم و روز به روز افزایش آمار داریم. در خصوص اجرای احکام مدنی، خیلی به کندی پیش می رود.

قضای: جهت تسریع در امور در اجرا، چه پیشنهاداتی دارید؟

به لحاظ اینکه پرونده های مختلفی داریم، عمده پرونده هایمان، شامل چک و تصادفات رانندگی می باشد. برای اجرای احکام پرونده های که راجع به تصادفات و راهنمایی و رانندگی می باشند، با شرکت بیمه مشکل داریم. به این دلیل که ما طرف حساب بیمه نیستیم، بیمه گذار راننده است. به این اعتبار، اگر خودمان بخواهیم دچار تصادفی نشویم، به اداره بیمه مراجعه می کنیم و خودروی خود را بیمه می کنیم و انتظار هم داریم که اگر زمانی حادثه ای پیش آمد، بیمه به قائم مقامی ما وارد قضا شود و خسارت دیه را بپردازد. در مرحله

طریقی که ممکن است، بررسی و ارزیابی شود و سقف صدور چک با این وجود معین نمایند که آقا شما دارای نان ایقنر است و باید تا سقف این مقدار، چک صادر نمایند و بیشتر از آن نمی توانید! این مورد برای افراد خارج از کارکنان دولت پیش بینی شود، چون چکهای کارمندی مشخص است و سقف آن هم معین است و باید چکها تقسیم بندی شوند، تا مشخص گردد مثلاً این چک متعلق به یک بازاری است و یا شخص دیگر. به هر حال، بانک بایستی تضمین نماید. وقتی بانک، صحت چک را احراز کرد، خودبخود باید پرداخت نماید. لذا بانک می تواند بعداً از اداری صادر کننده بردارد، نباید چک را برگشت زد تا اینهمه مشکلات به وجود آید. در خصوص چک، مسؤولین قوه قضائیه هم مطلع هستند که بیشترین زندانیان ما در رابطه با چک می باشند.

قضای: اجرای حکم در ملاء عام، چقدر مؤثر است؟ به لحاظ اینکه مدتی بنده، قاضی اجرای احکام بوده ام و در هشتگرد و نظرآباد، اجرای حکم در ملاء عام داشتیم؛ به نظر بنده برای عبرت دیگران مفید است. برای جلوگیری و پیشگیری از وقوع جرم، اجرا در ملاء عام بازتاب مؤثری دارد. تأثیر منفی آن، از دیدگاه جهانی است که امکان دارد تبلیغات سوئی نمایند اما خود جامعه باید بداند که قوه قضائیه با مجرمین برخورد قانونی می کند؛ به نظر من مؤثر است.

و کلام آخر؟  
بنده از صبح که وارد دادگاه می شوم، درب اطاقم به روی عموم باز است و کارها را انجام می دهم و تاکنون کسی گلایه ای از این شعبه نداشته. چنانچه اموری در حیطة وظایفم نباشد، حداقل با روی خوش به مردم پاسخ می دهم و راهنمایی می کنم.

به نظر من، همکاران قضائی و اداری، باید طوری عمل نمایند تا مردم به آنها راحت تر دسترسی یابند. مطمئناً بیشتر مردم کارشان حل می شود و با رضایت می روند. بنده در برخی موارد به همکاران، به خاطر کاری مراجعه می کنم، حداقل ۲ تا ۳ ساعت پشت درب می مانم و شاید نتوانم صحبت کنم. بهترین کار، این است که زمانی که ارباب رجوع مراجعه می کنند، بصراحت پاسخ او داده شود که این کار می شود یا نمی شود. اگر اقدام شدنی است، باید دستور سریع داد تا کارش انجام شود. یکسری کارهای اداری هست که اگر فوری انجام شود، هم مردم راضی می شوند، هم شلوغ نمی شود؛ مثلاً یک سند را آزاد کردن یا یک ملاقات برای زندانی صادر کردن و دیگر موارد.

اگر قوه قضائیه، بخصوص کارکنان قضائی اداری، ترتیبی اتخاذ نمایند تا مایحتاج اساسی آنان فراهم شود، نیاز به افزایش حقوق نیست و افراد با خیال راحت تر فعالیت می نمایند.

ضمناً، بنده مجله قضاوت را هر ماه مطالعه می کنم، بسیار کار خوب و پسندیده ای است. ضمن اطلاع رسانی و انعکاس مشکلات، گاهی همکاران هم معرفی می شوند. فکر می کنم که به صورتی به درد دل ما گوش دادید. جا دارد از همه دست اندرکاران مجله «قضاوت» تقدیر و تشکر نمایم.

پرونده هایی که در خصوص چک مطرح است، رسیدگی می شود و در آینده، چنانچه فردی چک صادر کند، طرح دعوی کیفری ممکن نیست و مطمئن باشید که بسیاری از پرونده ها از دور خارج می شوند. در همین شعبه در روز، تقریباً ۱۵ پرونده چک داریم، آمار محاکم را پرونده های چک بالا می برد. جالب این است که یک پرونده را ما انجام می دهیم و صادر کننده اعلام می کند که من در فلان جا بابت سرقت چک پرونده دارم. ما هم آن پرونده را درخواست می کنیم و درگیر پرونده های دیگر می شویم. به خاطر همین مسأله بازداشت صادر کننده چک، بیشترین زندانیان زندانها در خصوص چک می باشند.

یا یک نفر براحتمی می آید مال مردم را می برد و چند لاشه چک می دهد و یک مدتی در زندان می ماند و بعد، اقدام به درخواست اعسار می کند. پرونده های داریم که زندانی دائماً اقدام به ارسال اعسار می کند و می گوید من یک سال - دو سال در زندان مانده ام و دیگر چیزی ندارم. حال معسر و می خواهم از زندان آزاد شوم. از طرف دیگر، افرادی که مال باخته اند، آنها هم در پرونده به ما فشار می آورند و این تراکم کار در محکمه، از دقت عمل می کاهد.

پرونده هایی که از دادسرا می آید، قبلاً محاکم کیفری، تمام مراحل را طی می کرد. به لحاظ اینکه، کلی از پرونده ها از دور خارج می شوند، به لحاظ قرار منع پیگرد یا قرار موقوفی تعقیب و دیگر موارد. به لحاظ اینکه اقدامات لازم صورت گرفته بود، وقتی پرونده ای به قاضی کیفری داده می شد، بر آن بخواهی رسیدگی می کرد و مشکل رسیدگی هم بدین صورت وجود نداشت.

قضای: این شعبه چند زندانی دارد؟  
با توجه به تأکیدات ریاست محترم قوه قضائیه، ما سعی کرده ایم مردم را زیاد درگیر با زندان نکنیم، چون زندان فرستادن، به هر حال، تبعات خاص خود را دارد و مشکل ساز است. در حال حاضر در این شعبه، ۲ تا ۳ پرونده زندانی دار وجود دارد.

یکی از اموری که بنده انجام می دهم تا آمار را نگهدارم، اینکه پرونده ها را حتی شده به منزل می برم، بدقت گزارش تهیه می نمایم و رسیدگی می کنم و از دور خارج می نمایم. در این خصوص مردم هم راضی بوده اند و تشکر هم نموده اند. مهمترین شیوه من، این است که پرونده هایی را که ابتدا به من ارجاع می شوند، می توانم در وقت فوق العاده رأی بدهم؛ یعنی توسط نیروی انتظامی تحقیق به عمل می آوریم و خودم آتقدر سعی می کنم تا پرونده معد صدور حکم شود و دیگر وقت تعیین نمی کنم و در وقت فوق العاده رأی می دهم و اصولاً هم موفق بوده ام؛ یعنی نه یک نفر بلا تکلیف در زندان می ماند و نه طرفین پرونده هم تردد می نمایند. موجودی این شعبه که در حال حاضر ۲۰۰ فقره است، به خاطر اینکه یک سری از پرونده ها از قبل مانده است که اگر اینها هم به صفر برسند، مشکلی در این خصوص نداریم.

در خصوص چک، راهکاری که مؤثر است، این است که دارای فردی که متقاضی دسته چک است، به



سیحیدالرضا قاسمی  
معاونت اجرای احکام

اجرا، بیمه کم لطفی می کند و به تعبیری دیگر، مردم را مورد اذیت و آزار قرار می دهد. همان طور که ملاحظه می شود، پرونده نزد ما تشکیل می شود. نظر کارشناس که حکایت از تعیین مقصر دارد، و اوراق بازجویی که حکایت از شکایت شاکی یا قبول اتهام توسط متهم دارد، و نظریه پزشکی قانونی که گواهی داده است و بیان داشته صدمات وارد آمده چقدر است؛ این دلایل، همگی ضمیمه پرونده می باشد و کفایت می کند تا دادگاه حکم دهد بر محکومیت راننده تا دیه را پرداخت نماید؛ جنبه عمومی آن حفظ گردد که طرف آن مقام قضایی است.

این حکم دادگاه لازم الاجراست. یعنی یک سند رسمی است و بالاتر از این نداریم. در این خصوص، بیمه گذار که راننده باشد، به شرکت بیمه مراجعه می نماید. حال اداره بیمه، خود پرونده ای را تشکیل می دهد و به بیمه گذار می گوید مثلاً این اوراق را باید برای ما بیاورید که ما می بینیم بیمه پرونده ای تشکیل داده، حقیقتاً تر از پرونده محکمه با جزئیات بیشتر از پرونده ای که ما تشکیل داده ایم؛ به نحوی دخالت درامر قضا می نماید؛ به جای اینکه حکم دادگاه را ملاک عمل قرار دهد و اجرا بکند، اجرائی می کند. این طولانی شدن، باعث آن می شود که حکمی که سال ۱۳۸۰ باید اجرا می شده، هنوز اجرا نشده باشد. ممکن است تأخیر مراجعه محکوم علیه هم در این امر مؤثر باشد و دیه ای که سال ۱۳۸۰، ده میلیون تومان بوده، سال ۱۳۸۱ - ۱۵ میلیون تومان شده باشد. اداره بیمه مدعی می شود که چون حکم در سال ۱۳۸۰ صادر شده است، ما همان مبلغ سال ۱۳۸۰ را پرداخت می کنیم. این ارباب رجوعها سرگردان می شوند بین بیمه و ما! و ما هم برایشان نمی توانیم کاری بکنیم به لحاظ اینکه، طرف حساب ما، اداره بیمه نیست؛ بلکه طرف حساب ما، طرفین پرونده می باشند.

این موضوع، مشکل عمده تأخیر در اجرای احکام تحت عنوان صدمات بدنی می باشد.  
قضاوت: در خصوص پرونده های تصادفات چه راهکاری را ارائه می نماید؟

بنده یک شرح مفصلی را تکمیل می نمایم که به نظر آقای علی زاده هم برسانم، در خصوص پرونده های صدمات بدنی، که وقت بسیاری را می گیرد تا مسئولین در سطح کلان دادگستری و بیمه جلساتی را تشکیل دهند؛ چون به بیمه ارتباطی ندارد که در اینجا چه پرونده ای تشکیل شده است. می خواهند از محتویات پرونده های ما سر در آورند تکلیف بیمه، اجرای حکم دادگاه است! بیمه گذار محکوم شده است. بیمه باید به قائم مقامی بیمه گذار طبق حکم دادگاه، بیمه را پرداخت نماید. بدین لحاظ، بیمه گذار سرگردان می شود. در نهایت، دیه را خودش پرداخت می کند و بعد جهت مطالبه می آید به طرفیت بیمه دادخواست می دهد و بیمه را محکوم می کند و مابقی ما به التفاوض دیه را از بیمه مطالبه می کند که این راستا، هم وقت ارباب رجوع و هم وقت دادگاه گرفته می شود.

من معتقدم که مسئولین بیمه را بخواهند و دادگستری یک هماهنگی به عمل آورد، لائول راهکارهایی تصویب گردد که همه موظف به اجرای آن گردند تا دیگر مشکلی پیش نیاید.

بنده بارها شده است که اداره بیمه درخواست اوراق

قضایی می نماید، به هیچ وجه نمی دم؛ چون معتقدم به نحوی دخالت در امر قضا می شود. اما مطلع هستم مجتمع های قضایی دیگر، رونوشت کلیه اوراق قضایی را در اختیار بیمه می گذارند.  
خلاصه کلام اینکه؛

کارمندان اداری که پاسخگوی همیشگی ارباب رجوع می باشند و به تعبیری دیگر، خود با داشتن مشکلات فراوان، سنگ صبور مشکلات عظیمه مردم هستند. آنها انسانهای خارق العاده ای هستند؛ مگر اینکه احساس مسؤولیت ننمایند و کار دادگستری را مانند کار عادی اداری ادارات دیگر ارزیابی کنند. آن دسته از افراد نمی توانند مشکلات مردم را خوب حل کنند و رضایت خدا را دور نمی گیرند.

مردم که اصولاً اطلاعات حقوقی ندارند، باید این کارکنان با بردباری پاسخگویی آنان باشند، نه اینکه - خدای نخواست - با لحنی تند بگویند: «برو بیرون!» این کار تو نیست و ارتباطی به تو ندارد! این کار، اصلاً صحیح نیست! باید ارباب رجوع را راهنمایی کرد یا به واحد ارشاد یا مشاوره حقوقی معرفی نمود. اگر انسان، به درد دل مردم گوش فرا دهد، آنها هم سبک می شوند. حتی اگر کاری هم برایشان انجام ندهیم، با تشکر و رضایت بیرون می روند.

قضاوت: احکام اجرا نشده مجتمع قضایی هاشمی، چه تعداد می باشند؟

در حال حاضر، ۶۸۳۹ فقره اجرائی (اعم از مدنی و کیفری) داریم. موجودی از سال گذشته، ۱۶ هزار پرونده بوده است که ۱۲ هزار فقره، آن مختومه شد و نیم عشر دولتی وصول شده هم در آمارها نشان دهنده این است که فعالیتی مضاعف انجام شده است.

قضاوت: طولانی ترین پرونده های اجرائی احکام، چه نوع پرونده های می باشند؟

احکام غیابی به علت عدم دسترسی به محکوم علیه، سختی اجرا می شوند.

مورد دیگر، تقصی که البته در کار محاکم وجود دارد، این است که قرائهاتی که صادر می کنند مانند قرار کفالت، طرف می آید یک تکلیف معرفی می کند. در گذشته که دادرسی وجود داشت، دادرسی قرار کفالت صادر می کرد و یک برگ پایتندان تکمیل می شد و به کلاتری محل ارسال می گردید. کلاتری محل گواهی می کرد که این کفیل در این محل ساکن است، این خود یک تضمین اجرائی بود.

اما در حال حاضر این طور نیست. طرف که به دادگاه می آید، یک فتوکپی کارت شناسایی یا سند می دهد و می رود. لذا، در اجرا خیلی سخت است و دسترسی به آنها همراه با مشکل است. متأسفانه اخلاق مردم ما تغییر کرده و کمتر به تعهداتشان پایبند هستند. طرف به فکر این نیست که بیاید و پیگیر حقی خودشان را معنی می نمایند. نگرفته است یا بعضی حتی خودشان را کاملاً کنترل باید محاکم طبق گذشته، اسناد مالکیت را کاملاً کنترل نمایند و از کلاتری محل، خواستار تأیید سکونت شخص شوند تا سکونت فرد در آن محل محرز گردد. معلوم شود که آیا در آنجا مستأجر است؟ وضعیت سکونتش به چه نحوی است؟ باید حتی المقدور، جواز کسب در قرائه های کفالت گرفته شود یا کارمند دولت باشد تا دسترسی به آن سهولت انجام گیرد.

قضاوت: لطفاً از مهمترین پرونده های که تا کنون اجرا نموده اید، شرحی بدهید:

ساده ترین پرونده ای که فردی به حق قانونی خودش رسیده باشد، برای من مهمترین پرونده بوده است و در اجرا، هیچ فرقی بین پرونده ها نمی بینم.  
قضاوت: رایج به نظارت بر زندانیها، چه برنامه ریزیهای دارید؟

متأسفانه به لحاظ تراکم کار دراجرای احکام، نمی توانم به طور فیزیکی در زندانها حاضر شوم. اما آنچه که نامه از سوی زندان می آید، تلاش من بر این است که بیشتر روی آن تأکید کنم و پرونده را بررسی نمایم تا اگر راهکاری دارد برای کمک قانونی به زندانی، انجام دهم و مؤید ادعای بنده اینکه، به مسئولین زندان یا زندانیان مراجعه فرمایید و بپرسید که اجرای احکام مجتمع هاشمی، چگونه به امور زندانیان رسیدگی و عمل می نماید؟ البته با قضات ناظر زندان که در زندانها مستقر می باشند، همکاری تنگاتنگ و مستوری دارم.

قضاوت: نظر شما در خصوص دادرسی چیست؟

هنگامی که دادرسی را حذف نمودند، من بسیار تأسف خوردم؛ چرا که خاکریز اولیه یک مبارزه را بهم ریختند و شما چنانچه به آرای گذشته مراجعه کنید، می بینید که چقدر آرای آن زمان نسبت به حال، مستدلتر، مستندتر و محکمتر بوده است و افسوس که چه قضات مجرب و پرکاری در دادرسی فعالیت می کردند و پرونده ها در دادرسی رسیدگی می شد و به صورت کامل به محاکم ارسال می شد.

ابراهیم پورعسگر

دادرس شعبه ۱۱۰۷ مجتمع قضائی هاشمی

حذف آمار و آمارگیری

ابراهیم پورعسگر از سال ۱۳۷۶ شروع به کار قضائی نمود و در سمنهائ: قاضی تحقیق، قاضی ناظر زندان دادگستری کرج، دادرس شعبه ۷۰۵ مجتمع قضائی نارمک، و در حال حاضر نیز با سمت دادرس شعبه ۱۱۰۷ مجتمع قضائی «هاشمی» مشغول کار بوده و هست. به گفته عسگر پور در این شعبه به پرونده های حقوقی و کیفری رسیدگی می شود. آخرین وقت رسیدگی ۸۱/۹/۳ است. هنگامی که شعبه را تحویل گرفتیم، موجودی آن ۳۸۰ فقره بود که با کمک خداوند متعال، موجودی فعلی ۲۰۰ فقره پرونده می باشد و در هر ماه ۲۵۰ تا ۲۶۰ پرونده به این شعبه ارجاع می گردد. قضایوت: به نظر شما ماده (۶) قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری، مصوب ۱۳۵۶؛ در مواردی که متهم نسبت به رأی بدوی اعتراض نکند و مراتب اسقاط حق تجدیدنظر خواهی خویش را اعلام نماید، آیا می تواند از دادگاه تقاضای تخفیف نماید یا خیر؟

ماده (۶) بصراحت اعلام داشته، دادگاه می تواند تا «یک چهارم» از جزای نقدی یا حبس را تخفیف دهد. البته در وقت فوق العاده یا حضور سرپرست مجتمع قضائی و در غیاب ایشان معاون، تشکیل جلسه می دهد. چنانچه سرپرست موافقت کرد، دادگاه معزیر است تا «یک چهارم» تخفیف دهد. لازم به ذکر است که متهم یا محکوم علیه در مدت ۲۰ روز که حق تجدیدنظر خواهی دارد، باید مراتب اسقاط حق تجدیدنظر خواهی خود را اعلام نماید و در صورتی که خارج از مهلت ۲۰ روز باشد، دادگاه موجه با تکلیف نیست. البته همکاران دادگاه تجدیدنظر موافق با این امر نیستند اما به لحاظ اینکه در مجتمع های دیگر همین رویه است، ما در این مجتمع هم اعمال می نمایم. همکاران دادگاه تجدیدنظر با این اعلام این موضوع که قانون مذکور نسخ شده است و ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی کفایت دارد و متهم باید اعتراض کند و دادگاه تجدیدنظر در مرحله تجدیدنظر خواهی، چنانچه اعتراض را قانونی دانست، عمل می نماید. اما از این نگاه که متهم یا معترض، برای رأی دادگاه احترام قائل شده است و می گوید که رأی صادر شده از سوی دادگاه برای ما معتبر است و به آن اطمینان داریم، ما هم به جهت احترامی که به رأی دادگاه گذاشته است، با اعمال ماده (۶)، تا «یک چهارم» تخفیف می دهیم. قضایوت: مواد (۱۴۶) و (۱۴۷) قانون اجرای احکام مدنی که خارج از نوبت و تشریفات بیان شده، آیا توقیف اموال باید ناشی از صدور قرار تأمین خواسته باشد تا مشمول این ماده گردد یا باید ناشی از صدور اجرائیه و اعتراض ثالث باشد؟

مواد مذکور بصراحت اشاره داشته نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث، که ادعای رفع کند. اگر اعدای مذکور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم به تاریخ توقیف باشد، توقیف رفع می گردد. در غیر این صورت، عملیات اجرائی تعقیب می گردد. در این خصوص باید بگوییم که مواد (۱۴۶) و (۱۴۷)، صرفاً راجع به اموال ناشی از صدور قرار تأمین خواسته است نه ناشی از صدور اجرائیه و توقیف اموال و اعتراض شخص ثالث، مواد دیگر از قانون آیین دادرسی مدنی و اجرای احکام مدنی دارد که مربوط به مواد مذکور نمی شود. قضایوت: در مورد ماده (۷۱۶) قانون مجازات اسلامی؛ آیا دادگاه مخیر است که حبس مذکور در این ماده را از دو تا شش ماه تبدیل به جزای نقدی نماید یا تکلیف دارد؟ در مورد ماده (۷۱۶) بیان داشته که مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه، و پرداخت دیه در صورت تقاضای محکوم له محکوم می گردد. باید در این خصوص بگوییم، با توجه به بند «یک» از ماده (۳) قانون نحوه برشی از درآمدهای دولت و نحوه مصرف آن در موارد معین، دادگاه مکلف به جزای نقدی است و نمی تواند به حبس رأی دهد و چنانچه رأی بر حبس دهد، رأی صادر شده دارای اشکال است که در صورت اعتراض به رأی، در مرحله تجدیدنظر، رأی نقض می گردد. در مورد ماده (۷۱۸) همان قانون که بیان داشته بیش از دو سوم حداکثر مجازات محکوم می شود و دادگاه هم می تواند علاوه بر مجازات فوق، مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رائندگی محروم نماید (که قسمت اخیر ماده، ضمانت اجرائی ندارد). حال بر فرض است که در رأی اعلام می شود که محکوم تا دو سال حق رائندگی ندارد، اما متأسفانه هیچ ضمانت اجرائی ندارد.

حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم به تاریخ توقیف باشد، توقیف رفع می گردد. در غیر این صورت، عملیات اجرائی تعقیب می گردد. در این خصوص باید بگوییم که مواد (۱۴۶) و (۱۴۷)، صرفاً راجع به اموال ناشی از صدور قرار تأمین خواسته است نه ناشی از صدور اجرائیه و توقیف اموال و اعتراض شخص ثالث، مواد دیگر از قانون آیین دادرسی مدنی و اجرای احکام مدنی دارد که مربوط به مواد مذکور نمی شود.

قضایوت: در مورد ماده (۷۱۶) قانون مجازات اسلامی؛ آیا دادگاه مخیر است که حبس مذکور در این ماده را از دو تا شش ماه تبدیل به جزای نقدی نماید یا تکلیف دارد؟ در مورد ماده (۷۱۶) بیان داشته که مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه، و پرداخت دیه در صورت تقاضای محکوم له محکوم می گردد. باید در این خصوص بگوییم، با توجه به بند «یک» از ماده (۳) قانون نحوه برشی از درآمدهای دولت و نحوه مصرف آن در موارد معین، دادگاه مکلف به جزای نقدی است و نمی تواند به حبس رأی دهد و چنانچه رأی بر حبس دهد، رأی صادر شده دارای اشکال است که در صورت اعتراض به رأی، در مرحله تجدیدنظر، رأی نقض می گردد. در مورد ماده (۷۱۸) همان قانون که بیان داشته بیش از دو سوم حداکثر مجازات محکوم می شود و دادگاه هم می تواند علاوه بر مجازات فوق، مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رائندگی محروم نماید (که قسمت اخیر ماده، ضمانت اجرائی ندارد). حال بر فرض است که در رأی اعلام می شود که محکوم تا دو سال حق رائندگی ندارد، اما متأسفانه هیچ ضمانت اجرائی ندارد.

البته در کشورهای خارجی به این مسائل بسیار توجه می شود اما در قانون ما متروک مانده است که باید از طریق راهنمایی و رائندگی روی این مسأله کار شود. با سیستم های مکانیزه ای که در اختیار دارند، سوابق افراد را بررسی نمایند که چنانچه فردی مجدداً تصادف نمود، سریعاً پرونده مرتکب بررسی شود که آیا حق رائندگی داشته یا خیر؛ که متأسفانه در کشور ما این مسأله اصلاً رعایت نمی شود؛ مثلاً فردی که اصلاً گواهینامه رائندگی ندارد اما ناگهان می فهمید که ده سال است که رائندگی می کند!

- مواردی که باید یادآور شوم:
- ۱- حذف آمار و آمارگیری در سیستم قضائی و توجه هر چه بیشتر به کیفیت آرای همکاران محترم.
  - ۲- حمایت و پشتیبانی همه جانبه از قضات و کادر اداری این تشکیلات از سوی مسؤلان، با توجه به اینکه دهها نهاد نظارتی برکار این عزیزان متمرکز است، لیکن ظاهراً در هیچ جا و هیچ وقت، کوچکترین حمایتی از این قشر نمی شود.
  - ۳- برداشتن گامی کوچک در جهت حل مشکلات؛ اعم از حقوق، مسکن و سایر مشکلات پرسنل قضائی و اداری.
  - ۴- ضرورت احیای پلیس قضائی.
  - ۵- افزایش دوره های آموزشی.
- از جمله خلأهای قانونی موجود پس از تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، حذف جایگاه دادستانی

و مدعی العموم بود که در همان زمان، مورد نقد حقوقدانان، قضات، دانشجویان و اهل فن قرار گرفت. این خلأ در سالهای ۷۳ تا ۷۵ مشهود بود تا اینکه در سال ۱۳۷۸، تصمیم گرفته شد مدعی العموم در پرونده نقش آفرینی کند که در ماده (۳) قانون دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری تصریح شد تعقیب دعوی عمومی به عهده رئیس حوزه قضائی یا معاونین، تکلیف این امر مهم را عهده دار خواهند بود اما این مسأله نتوانست سابقه ۸۰ ساله دادستانی را به فراموشی بسپارد. آنچه که مهم است، این است که آیندگان علم حقوق و قضا را گفته ها، اعمال و نوع تأثیرگرایها در نهاد قضائی کشور یاد خواهند کرد؛ چنانچه ما امروز از سخنان مطرح شده در گذشته، یاد می کنیم. در خصوص تشکیل دادسرا در کل موافقم؛ به شرطی که در ابتدا، نیروهای مجرب آن آماده، ساختمان و امکانات فراهم، و افزایش اختیارات دادستان را مدنظر قرار داده و سپس به فکر تشکیل آن باشند. اینکه پیکر و بخواهند تشکیل دهند، جز اینکه موجب سرگردانی ارباب رجوع و . . . شوند، چیز دیگری نمی شود. البته در حال حاضر، توده مردم با تشکیلات دادگاههای عمومی آشنا شده اند. لذا، اگر چند شعبه در هر مجتمع قضائی با کادر مجرب اضافه شود، جوابگوی امر می باشد. در ضمن، نهاد پلیس قضائی که بازوی دادگستری و قوه قضائیه بود، از تشکیلات حذف شد و نیروی انتظامی جایگزین آن شد. این مجموعه قضائی با مشکلاتی مواجه شد. گرچه نیروی انتظامی تا کنون در کنار دستگاه قضائی به انجام وظیفه پرداخته و در راستای حل مشکلات تلاش کرده؛ لیکن، از آنجا که این نیرو به طور تمام وقت در اختیار قوه قضائیه نمی باشد و خودشان، درگیر مشکلات امنیتی جامعه و مسائل اداری محل خدمتشان می باشند، به همین لحاظ تا کنون نتوانسته اند نقش پلیس قضائی را ایفا نمایند.

حال اگر به فکر تشکیل پلیس قضائی هم باشیم، باید اولاً مهتر از همه چیز، نیروهای متخصص مجرب جذب شوند. ثانیاً، باید فکر کنیم که با چه امکاناتی می خواهیم پلیس قضائی را احیا کنیم؟ با چه تجهیزاتی؟ اول باید این مشکلات را حل کنیم، سپس در خصوص وجود پلیس قضائی بحث کنیم.

عبدالعلی احمدخان بیگی  
معاون مجتمع قضائی هاشمی

انکار مردم اعتقاد قبلی خود را  
به ما ندارند

احمد خان بیگی دارای لیسانس علوم قضائی اولین دوره دانشکده علوم قضائی است. ۲۶ سابقه کاری دارد که در امر قضا مشغول بوده است. وی دادستان ایلام و تاکستان و رئیس دادگستری رباط کریم بوده است. نزدیک دو سال است که در مجتمع هاشمی، به عنوان معاون قضائی فعالیت می نماید.

**قضاوت: چه نوع پرونده‌هایی در این مجتمع مطرح می‌گردد؟**

تمامی دعاری، به غیر از پرونده‌های خاصی که در مجتمع ویژه و خاص، مانند امور جنایی رسیدگی می‌شود و مانند سایر مجتمعها، پرونده‌ها (به جز موارد مذکور) به این مجتمع ارجاع می‌شود؛ مگر اینکه موقعیت جغرافیایی خاص این مجتمع که برخی از پرونده‌ها در این جا مطرح می‌شود، شاید در مجتمع‌های دیگر کمتر باشد؛ به طور مثال در مرحله اول، پرونده‌های چک که بسیار زیاد هستند. دوم، پرونده‌های سرقت که هر چند ناچیز باشند، موقعیت فرهنگی منطقه را نشان می‌دهند. و سوم، به علت اینکه منطقه جغرافیایی مجتمع هاشمی به جاده‌های منتهی به تهران است، مانند جاده مخصوص اتوبان کرج و... بدین لحاظ، تصادفات زیادی در این مسیر داریم که جزو پرونده‌های اصلی ماست. میزان تصادفات و مرگ و میر در برخی از پاسگاههای منطقه ما بسیار زیاد است؛ به لحاظ اینکه در کار ارجاع می‌باشم. به نظر بنده، مشکلات خاص مجتمعها مراجعات بی مورد از باب رجوعها یا به طور مثال، فرد قبل از اینکه جهت احقاق حقوق خودش به کلاتری یا مرجع قضایی مراجعه کند، به دنبال رابطه و پارتی است و به نحوی، انگار مردم، اعتقاد قبلی خود را به ما ندارند که مشکل را به ما بگویند تا حل شود. لذا این حرکات را به طرق مختلف شروع می‌کنند و یک فرد برای خواسته‌اش، به چندین مجتمع مراجعه می‌کند یا فقط به این مجتمع چندین دفعه مراجعه می‌کند. هیچ‌گونه کنترل و امور ثبت و ضبطی نیست که اعلام گردد که ایشان، یک بار برای این موضوع مراجعه کرده است تا مانع اطاله وقت کلیه همکاران شود. لذا این موارد، بیشتر از پرونده‌ها برای ما وقت گیر است و این مشکل برای همه مجتمعهاست. و دیگر اینکه، مردم برای طرح دعوی به چند مجتمع مراجعه می‌کنند، هر بار که پرونده به کلاتری ارسال می‌شود، به آنها اعلام می‌کنند که این موضوع در محدوده این مجتمع نیست و مردم سرگردان می‌شوند و این مشکلات را ما در ارجاع همیشه داریم.

مشکل بزرگ جامعه ما، موضوع «چک» است. ۷۱۵٪ از مضمون پرونده‌هایمان بدین نحو است که افراد مراجعه می‌کنند و مدعی آن می‌شوند که چک مان مفقود یا سرقت شده است. بنده به بصراحت می‌گویم، شاید یک درصد آنها هم صحت نداشته باشد؛ چرا تا به حال چکش مفقود نشده، چرا چکش سرقت نشده؟...

نمی‌خواهم بگویم مفقودی وجود ندارد، ولی به این تعداد وسیع وجود ندارد. این نشانگر آن است که ادعا کذب است! لذا مشخص می‌گردد که این یک اختلاف حساب مالی در بیرون دارد، اصلاً کارش به دادگستری ربطی ندارد. همین که به بانک مراجعه می‌کنند، می‌گویند جلوی چکم را می‌خواهم ببندم تا برگشت نشود. بانک به وی می‌گوید، تقاضای تو یک هفته اعتبار دارد، برو از دادگاه نامه بیاور. در حالی که ما مراجعه می‌کنند که ما وظیفه‌ای نداریم توجه

کنیم. اینکه یک فرد از جیبش یک هزار تومان گم کرده است، به ما ارتباطی ندارد و این یک کار قضایی نیست که ما به مفقودی او کار داشته باشیم. ما در اینجا باید به جرایم و دادخواستهایی که علیه فرد خاصی تقدیم شده است، رسیدگی نماییم. اینکه یک نفر بیاید بگوید چکم را گم کرده‌ام (و بی نهایت هم این مورد هست) این از وظایف ما نیست، ولی متأسفانه چون در بانک به استناد ماده (۱۴) قانون صدور چک گفته است، در موارد خاص دادگاه به ما اعلام کند ولی ابتدا به ساکن؛ نه شاکي، نه متهمی، نه خواهانی، نه خوانده‌ای، نه اعلام جرمی... که ما ملزم بشویم مقدار رسیسی از وقتمان به خاطر این باشد که به بانکها اعلام کنیم این چک مفقود شده، مشخص نیست این اعلام صحت دارد، ندارد... جلوی حساب متقاضی را ببندیم، و یک ساعت دیگر ببینیم که دازنده چک وارد مجتمع می‌شود و به عنوان شاکي چک محل شکایت می‌نماید.

از این قبیل‌ها، کار بی نهایت است. مانند یک کارگری که با کارفرمای خود مشکل دارد و از طرف اداره کار یا واحدهای مربوطه هم راهنمایی نشده است. یعنی او باید اول، پی‌گیری خود را در اداره مربوطه انجام دهد و بگوید کارفرما بنده را اخراج کرده است و همین‌طور، به مجتمع مراجعه می‌کند و علیه کارفرما شکایت ارائه می‌کند، در صورتی که باید به اداره کار می‌رفت! ما نمی‌دانیم واقعاً باید چه کار کرد، آیا این جرم هست که پی‌گیری نماییم؟ و چگونه برخوردی با وی بکنیم که احساس رضایت نماید و رفع گرفتاری شود؟ مثلاً گاهی گزارشات بهداشتی، برای رسیدگی به این مجتمع می‌آید، بدون اینکه کسی همراه گزارش باشد. یا زمانی این گزارش به دست ما می‌رسد که مثلاً ممکن است محل کسی که مأمور اعلام داشته، رعایت بهداشت صورت نگرفته است، حالا آن کسب عوض شده و فروشنده هم کلاً رفته است اما گزارش تازه به دست محکمه می‌رسد!...

با انواع مکاتباتی که شهرداری با اینجا می‌نماید که مثلاً در فلان مکان سد معبر کرده‌اند، در حالیکه به تشکیلات قضایی ربطی ندارد و سازمانها، اول باید کار خودشان انجام دهند اگر جرمی بود بر خلاف مقرراتی که قانونگذار پیش بینی کرده بود، باید به مراجعه کنند.

**قضاوت: چه پیشنهادی جهت ممانعت از این گونه ارجاعات دارید؟**

ما اگر سیستمان را در دادگستری متمرکز نکنیم؛ به طور مثال، حسب بخشنامه رئیس محترم قوه قضائیه مبنی بر اینکه از ثبت پرونده‌های تکراری جلوگیری شود؛ یعنی سعی شود، همه خواسته‌های یک فرد در یک پرونده ثبت گردد. اگر این بخشنامه رعایت شود، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. ابتدا تصور می‌شود که این غیر مقدور است. مثلاً جرمهای متعدد، چطور در یک پرونده ثبت باشند؟ اما اگر دقت کافی به قانون شود دیده می‌شود که قانون چنین روحی دارد که به جرایم متعدد فرد، در یک واحد خاص رسیدگی می‌شود. پس مغایرتی با قانون ندارد، اگر واحدهای ارشادمان فعال باشند.

اگر شاکي بابت یک فقره چک از منزل بیرون می‌آید، به این کاری ندارد که قانونگذار برای صادرکننده چک مجازاتهای متعددی در نظر می‌گیرد یا خیر؛ او فقط می‌خواهد به طلبش برسد. در این موقع که به ما مراجعه می‌کند، ما به شاکي می‌گوییم این شکایت شما کیفری است، یعنی طرف شما به زندان می‌رود و شما به طلب خود نمی‌رسید، باید دادخواست حقوقی بدهید؛ اینجا دو پرونده می‌شود. حال دادخواست در وقت قرار می‌گیرد، مثلاً سه ماهه. باز فرد می‌آید می‌گوید متهم اقدام به فروش اموال خود کرده است. به وی می‌گویم، بروید دادخواست تأمین بخواسته بدهید و وی هم انجام می‌دهد. حال، در مجموع ۳ پرونده شد. ممکن است در این راستا شخص آدرس نداشته باشد، برای پرونده قرار رد دفتر صادر می‌شود و بعد اعتراض می‌کند. دادنامه غیابی صادر می‌شود، متهم پیدا می‌شود و به دادنامه غیابی اعتراض می‌کند. ببینید، تا اینجا ۶ بار پرونده ثبت شده است. حالا تجدیدنظر - اعمال ماده (۲۳۵) وجود دارد؛ یعنی حالا که این طور است، مراجعات مکرر و کلاس‌های مکرری که قانون پیش بینی کرده است. بدین جهت است که افراد به دنبال رابطه می‌روند تا حل مشکل نمایند، یعنی اصلاً به محاکم خوش بین نیستند و بصراحت اتهاماتی هم به شعب می‌زنند و این را می‌توان حتی به واحدهای انتظامی هم تسری داد؛ یعنی ما برای حل این معضل باید اولاً، اعتماد سازی کنیم؛ ثانیاً راههای متعدد را کوتاه کنیم.



عبداللهی احمدخان بیگی معاون مجتمع قضایی هاشمی